



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّٰدِقِينَ  
﴿١١١﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ  
أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ  
عَنْ نَفْسِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ  
وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَءُونَ مَوْطِئًا  
يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا  
كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ  
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٢﴾ وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً  
صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا  
كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً  
فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ  
لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ  
إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١١٤﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با کسانی باشید که

راستگویند ﴿۱۱۹﴾

مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامونشان حق ندارند از همگامی با رسول خدا سر باز بزنند و نباید [جان خود را از جان پیامبر عزیزتر بدانند و] به خود بپردازند.

چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و در هیچ سرزمینی که کافران را به خشم می‌آورد گام نمی‌نهند و از هیچ دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه برای آنان در برابر هریک از آنها عملی شایسته

نوشته می‌شود و خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. ﴿۱۲۰﴾

هیچ مال کم یا زیادی را انفاق نمی‌کنند و هیچ مسافت و وادی ای را نمی‌بیمابند، مگر اینکه برای آنان نوشته می‌شود، تا خدا آنان را به بهتر از آنچه

می‌کردند پاداش دهد. ﴿۱۲۱﴾

و نمی‌شود که مؤمنان، همگی اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را [به طور عمیق] بیاموزند و آنگاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کیفر الهی]

ترسند. ﴿۱۲۲﴾



## درس دهم

### مرجعیت و ولایت فقیه

همان‌طور که در درس‌های گذشته عنوان شد، دو مورد از مسئولیت‌های رسول خدا ﷺ، پس از ایشان به ائمه اطهار علیهم‌السلام منتقل شد و آنان به عنوان حجت‌های خدا در روی زمین، این مسئولیت‌ها را برعهده گرفتند و در همین راستا، به ارشاد و هدایت مردم برخاستند و برای برپایی حکومت الهی و اقامه قسط و عدل، جهاد و مبارزه کردند.

در این درس به بررسی پاسخ دو سؤال زیر می‌پردازیم:

آیا این دو مسئولیت در دوره غیبت کبری استمرار می‌یابد؟

یا مردم به خود واگذار شده‌اند و دین در این زمینه برنامه‌ای ندارد؟

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید :

وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ<sup>۱</sup>

و نمی‌شود که مؤمنان، همگی [برای آموزش دین] اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را [به طور عمیق] بیاموزند و آن‌گاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند.

با توجه به آیه بالا به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :

۱- به نظر شما، چرا خداوند حتی در زمان پیامبر و با وجود حضور ایشان، عده‌ای را تشویق به فراگیری علم دین می‌کند؟

۲- آیا آموختن عمیق دین و بیان تعالیم آن، اختصاص به زمان پیامبر دارد؟ چرا؟

### ضرورت تداوم مسئولیت‌های امام در عصر غیبت

از آنجا که دین اسلام همیشگی و برای همه دوران‌هاست، عقلاً ضروری است که این دو مسئولیت یعنی «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» در عصر غیبت ادامه یابد؛ زیرا :

۱- اگر «مرجعیت دینی» ادامه نیابد، یعنی متخصصی نباشد که احکام دین را بداند و برای مردم بیان کند و پاسخگوی مسائل جدید مطابق با احکام دین نباشد، مردم با وظایف خود آشنا نمی‌شوند و نمی‌توانند به آن وظایف عمل کنند.

۲- اگر «ولایت ظاهری» ادامه نیابد و حکومت اسلامی تشکیل نشود، نمی‌توان احکام اجتماعی اسلام را که نیازمند مدیریت و پشتوانه حکومتی است، در جامعه به اجرا درآورد.

حال سؤال این است که در دوره غیبت، مسئولیت‌های مربوط به امامت، چگونه ادامه می‌یابد و مسلمانان از چه راهی به احکام و قوانین دین، دسترسی پیدا می‌کنند و این قوانین چگونه در جامعه پیاده می‌شود؟

فیلم : اثبات ولایت فقیه در پنج دقیقه

## راهکار پیامبر و امامان علیهم السلام برای عصر غیبت

در زمان ائمه علیهم السلام، مردمانی در شهرهای دوردست بودند که به امامان دسترسی نداشتند و نمی توانستند احکام دین را از ایشان بشنوند و از فرمان های آنان مطلع شوند. از این رو، آن بزرگواران دانشمندی را تربیت می کردند که در حدّ توان به معارف و احکام دین دست یابند. این دانشمندان به نقاط مختلف شهر خود و یا شهرهای دیگر می رفتند و احکام اسلام را به مردم می آموختند. اگر مردم نیز پرسشی داشتند، آنان براساس دانشی که از قرآن کریم و روایات داشتند، به آن پرسش پاسخ می دادند.

### بیشتر بدانیم

- ۱- یکی از یاران امام رضا علیه السلام به امام عرض کرد: برای من مشکل است که در هر زمانی نزد شما بیایم و معارف دینی را از شما بگیرم. امام به ایشان فرمود: «می توانی از زکریای قمی که از نظر دین و دنیا امین است، بپرسی».<sup>۱</sup>
- ۲- ابوحماد رازی می گوید: در سامرا به نزد امام هادی علیه السلام رفتم و از بعضی مسائل حلال و حرام پرسیدم. چون قصد بازگشت داشتم حضرت فرمود: «چنانچه در امور دینی در [تشخیص] حلال و حرام، مسئله ای بر تو دشوار شد، از عبدالعظیم حسنی سؤال کن و سلام مرا به او برسان».<sup>۲</sup>

این روش، برگرفته از قرآن کریم است. خداوند در قرآن کریم دستور می دهد گروهی از مردم، وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به «تفقه» در آن پردازند تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند. تفقه، به معنای تلاش برای کسب معرفت عمیق است. افرادی که به معرفت عمیق در دین می رسند و می توانند قوانین و احکام اسلام را از قرآن و روایات به دست آورند، «فقیه» نامیده می شوند. مسلمانان وظیفه دارند در زمان غیبت امامان یا عدم امکان دسترسی به ایشان، به این فقیهان مراجعه کنند. به احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در این زمینه توجه کنید:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است؛ زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی، حکم و نظر امام را نمی داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگران را که به احکام ما آشنا نیستند،

۱- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۷، ص ۱۴۶.

۲- عبدالعظیم حسنی یکی از علمای شیعه بود که محضر مبارک امام رضا و امام محمد تقی و امام هادی علیهم السلام را درک کرده و احادیث فراوانی از آنان روایت کرده است.

۳- مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۷، ص ۲۲۱.

راهنمایی کند و دستورات دین را به آنها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود»<sup>۱</sup>.

۲- امام عصر علیه السلام در پاسخ یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که درباره «رویدادهای جدید» عصر غیبت سؤال کرد و راه چاره را پرسید، فرمود:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ<sup>۲</sup>

«و در مورد رویدادهای زمان به روایان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنها می‌باشم»<sup>۳</sup>.

این روایات بیانگر آن است که مسلمانان در غیبت امام، نه تنها در احکام و مسائل فردی، بلکه در مسائل اجتماعی هم، باید به «فقیه» مراجعه کنند. روشن است که انجام چنین وظیفه‌ای، جز با نفی حاکمان طاغوت و تشکیل «حکومت اسلامی» به رهبری فقیه میسر نیست.

**بنابراین:**

در دوره غیبت، بنا به فرمان امام زمان علیه السلام و به نیابت از ایشان، «فقیهان» واجد شرایط، دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» را برعهده دارند و در حد توان، جامعه اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می‌کنند.

در این میان، گروهی از فقیهان، احکام و قوانین دین را در اختیار مردم قرار می‌دهند. کسانی که در احکام دین متخصص دین نیستند، به این متخصصان مراجعه می‌کنند و احکام دین را از آنان می‌آموزند. این مراجعه را پیروی یا «تقلید» می‌گویند. البته این مراجعه، یک روش رایج عقلی است؛ یعنی انسان در امری که تخصص و مهارت ندارد، به متخصص آن مراجعه می‌کند. پس، تقلید در احکام، به معنای رجوع به متخصص دین است. چنین فقیهی را نیز مرجع تقلید می‌نامند.

همچنین از میان فقیهان کسی که توانایی سرپرستی و ولایت جامعه را دارد، عهده‌دار حکومت می‌شود و قوانین الهی را در جامعه به اجرا درمی‌آورد. فقیهی که این مسئولیت را برعهده می‌گیرد، ولی فقیه<sup>۴</sup> می‌گویند.

**بدین ترتیب در عصر غیبت:**

«مرجعیت دینی» در شکل «مرجعیت فقیه» ادامه می‌یابد و «ولایت ظاهری» به صورت «ولایت فقیه» استمرار پیدا می‌کند.

۱- مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۷، ص ۳۱۷، ح ۲۱۴۵۸.

۲- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۳.

۳- مقصود امام از روایان حدیث: مقصود امام در اینجا، آن دسته از روایان حدیث هستند که بتوانند رویدادهای جدید زمان را بشناسند و توانایی تفقه در حدیث را داشته باشند و با مراجعه به احادیث، حکم درست آن رویداد را برای مردم بیان کنند.

۴- ولی به معنای حاکم و سرپرست است. ولی فقیه، یعنی حاکمی که در دانش دین تخصص دارد و به فهم عمیق رسیده است.

## شرایط مرجع تقلید

۱- باتقوا<sup>۱</sup> باشد. ۲- عادل<sup>۲</sup> باشد. ۳- زمان شناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز، به دست آورد. ۴- اعلم باشد؛ یعنی از میان فقها از همه عالم تر باشد.

## راه‌های شناخت مرجع تقلید

شناخت متخصص در احکام دین، مانند شناخت هر متخصص دیگر است. ما همان‌طور که برای یافتن بهترین پزشک، معمار یا مهندس، تحقیق و جست‌وجو می‌کنیم، برای شناخت فقیه واجد شرایط نیز باید تحقیق نماییم و یکی از راه‌های زیر را پیش گیریم.

- ۱- از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتواند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهد، بپرسیم.
- ۲- یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن‌چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.

## فعالیت کلاسی

شما با چه روشی مرجع تقلید خود را انتخاب کرده‌اید؟ اگر کسی که به سنّ تکلیف رسیده است، مرجع تقلید خود را انتخاب نکند، اعمال وی چگونه خواهد بود؟

## شرایط ولیّ فقیه

فقیهی که رهبری جامعه اسلامی را بر عهده می‌گیرد باید شرایط زیر را داشته باشد:

- ۱- باتقوا باشد. ۲- عادل باشد. ۳- زمان شناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز به دست آورد. ۴- مدیر و مدبر باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیچیده جهانی رهبری کند. ۵- شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و وا همه، در برابر زیاده‌خواهی دشمنان بایستد. در اجرای احکام دین از کسی ترسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند.

حکومت و رهبری فقیهی که شرایط فوق را دارد، مشروع است؛ یعنی دین به او اجازه رهبری مردم را داده است. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.<sup>۳</sup>

علاوه بر این، ولیّ فقیه باید از جانب مردم پذیرفته شده باشد تا بتواند کشور را اداره کند و به پیش برود. یعنی، فقیه باید نزد مردم جامعه خود، «مقبولیت» داشته باشد.

پس تشکیل نظام و حکومت اسلامی، بر دو پایه «مشروعیت» و «مقبولیت» استوار است.

۱- تقوا یک حالت و قدرت روحی است که مانع رفتن انسان به سوی گناه می‌شود و مانند حافظ و نگهدارنده از گناه عمل می‌کند.  
۲- عدالت، مراتب دارد. عدالت پیامبر و امام به معنای دوری از هرگونه ظلم است. عدالت فقیه باید آن قدر باشد که به ندرت از وی گناهی سرزنند. عدالت یک فرد عادی باید به اندازه‌ای باشد که مردم به وی اعتماد کنند و به دروغ‌گویی و گناه مشهور نباشند.  
۳- صحیفه امام خمینی، ج ۹، ص ۲۵۳.



## چگونگی انتخاب ولی فقیه

از آنجا که ولی فقیه، بیان کننده قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد؛ یعنی نمی شود که هر کس به طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند؛ زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان پذیر است؛ در غیر این صورت، هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می آید و این، یک امر روشن و بدیهی در تمام نظام های سیاسی دنیاست. پس، مردم در انتخاب ولی فقیه باید به صورت دسته جمعی اقدام کنند و فقیهی را که شرایط رهبری دارد، با آگاهی و شناخت بپذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به وی بسپارند. مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راه پیمایی های سراسری، ولایت امام خمینی علیه السلام را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند. اکنون نیز بنا بر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می کنند و آن خبرگان نیز از میان فقها آن کسی را که برای رهبری شایسته تر تشخیص دهند، به جامعه اعلام می کنند. بر این مبنا بود که پس از رحلت امام خمینی علیه السلام حضرت آیت الله خامنه ای مسئولیت رهبری جامعه را بر عهده گرفتند. طبیعی است که چنین فقیهی تا وقتی رهبر جامعه است که شرایط ذکر شده را داشته باشد. تشخیص این امر نیز بر عهده مجلس خبرگان است.

### دانش تکمیلی

اگر می خواهید بدانید چرا برخی از فتواها و نظرات فقیهان در خصوص برخی موضوعات دینی متفاوت است، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

### وظایف رهبر (ولی فقیه)

برخی از وظایف رهبر جامعه اسلامی که از قرآن کریم، روایات و سیره معصومین بزرگوار علیهم السلام به دست می آید، عبارت اند از:

#### ۱- تلاش برای اجرای احکام و دستورات الهی در جامعه: رهبر جامعه اسلامی می کوشد

جامعه مطابق با دستورات دین اداره شود و مردم از مسیر قوانین الهی خارج نشوند.

#### ۲- حفظ استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان: کشورهای بیگانه، به خصوص قدرت های

بزرگ، همواره در صدد سلطه بر کشورهای دیگرند و از روش های مختلف برای رسیدن به این هدف استفاده می کنند. یکی از روش های آنان فشار اقتصادی و روانی است. رهبر با دعوت مردم به استقامت و

بایداری و بستن راه های سلطه، تلاش می کند عزت و استقلال کشور از دست نرود.

**۳- تصمیم‌گیری بر اساس مشورت:** از آنجا که اداره یک جامعه و رهبری آن به سوی پیشرفت و عدالت و تعالی، با بهره‌گرفتن از اندیشه‌های اندیشمندان و متخصصان میسر است، رهبر باید با مشورت با نخبگان تصمیم‌های لازم را بگیرد. امروزه در جامعه ما، علاوه بر اشخاص، نهادهای مختلفی نیز هستند که به صورت پیوسته به رهبری مشورت می‌دهند، مانند: مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی امنیت ملی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شورای عالی حوزه‌های علمیه.

**۴- ساده‌زیستی:** رهبر به دنبال توسعه مال و ثروت و تشکیل یک زندگی اشرافی و تجملاتی حتی از طریق مشروع نیست. اگرچه امروزه زندگی اشرافی رؤسای جمهور و پادشاهان، از قبیل داشتن خانه‌های گران‌قیمت، استفاده از بهترین سرویس‌ها و مبلمان در خانه، استراحت و تفریح در زیباترین سواحل و جزایر دنیا، داشتن ده‌ها اتومبیل شیک، برگزاری مهمانی‌های پرهزینه و شرکت در مجالس لهو، با هزینه شخصی یا با استفاده از اموال عمومی، یک امر عادی است، اما رهبر با الگو قرار دادن اولیای دین، همواره یک زندگی ساده را دنبال می‌کند.<sup>۱</sup>

## مردم و رهبری

همان‌طور که بیان شد، رهبر جامعه اسلامی، رهبری کسانی را برعهده دارد که می‌خواهند در سایه قوانین اسلام به رستگاری برسند.

در چنین جامعه‌ای، همان‌طور که مسئولیت رهبری با سایر رهبران متفاوت است، مردم نیز نگاهی متفاوت به رهبری دارند؛ رهبر برای آنان پیشوایی است که با قدم‌گذاشتن در مسیر کمال و عدالت، سایر مردم را به پیمودن راه فرا می‌خواند. مردم نیز تلاش می‌کنند با همت و پشتکار خود وی را همراهی کنند و قافله‌سالار را در همه عرصه‌ها و به‌خصوص در آنجا که سختی‌ها بروز می‌کنند، تنها نگذارند. در حقیقت، در نظام و حکومت اسلامی، مشارکت و همراهی مردم پایه و اساس پیشرفت است و بدون حضور و مشارکت آنان حکومت اسلامی دستاوردی نخواهد داشت.

با توجه به نکات فوق، مردم نیز مسئولیت‌هایی نسبت به رهبر دارند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

### ۱- وحدت و همبستگی اجتماعی؛ همان‌طور که تفرقه و پراکندگی، به‌سرعت یک حکومت را از

---

۱- به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۱، مراسم ازدواج نوه ملکه انگلیس با هزینه‌ای حدود ۲۰ میلیون پوند برگزار شد و این کشور به مدت چهارروز جهت هرچه باشکوه‌تر برگزار شدن این مراسم تعطیل شد. هزینه این ازدواج، از جیب مالیات‌دهندگان این کشور، تأمین شد. همچنین در سفر ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به عربستان، این کشور هدایایی مانند کشتی تفریحی به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار، شمشیر طلای ۲۵ کیلوگرمی به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار، و ... به ترامپ هدیه کرد.

پای درمی‌آورد و سلطه‌گران را بر کشور مسلط می‌کند، همبستگی اجتماعی، کشور را قوی می‌کند و به رهبری امکان می‌دهد که برنامه‌های اسلامی را به اجرا درآورد.<sup>۱</sup>

**۲- استقامت و پایداری در برابر مشکلات؛** هر کشوری در مسیر رسیدن به استقلال و کمال با مشکلات بزرگ و کوچکی روبه‌رو می‌شود؛ همان‌گونه که کشور ما از ابتدای انقلاب اسلامی مورد تهاجم دشمنان قرار گرفت. پس مردم باید با استقامت خود، فرصت و توان مقابله با مشکلات داخلی و خارجی را برای رهبر فراهم کنند.<sup>۲</sup>

**۳- افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی؛** برای تصمیم‌گیری صحیح در برابر قدرت‌های ستمگر دنیا، اطلاع از شرایط سیاسی و اجتماعی جهان، ضروری است. ما باید بتوانیم به گونه‌ای عمل کنیم که بیشترین ضربه را به مستکبران و نقشه‌های تفرقه‌افکنانه آنان بزنیم و خود کمترین آسیب را ببینیم. ناراحتی دشمنان از عمل ما یا خوشحالی و شادی آنان از رفتار ما، می‌تواند یکی از معیارهای درستی و نادرستی عملکرد ما باشد.<sup>۳</sup>

**۴- مشارکت در نظارت همگانی؛** براساس فرمان خداوند، همه افراد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر مسئول‌اند و مانند سوارشدگان در یک کشتی‌اند. اگر گناهمانی در جامعه رواج پیدا کند، فقط گناهکاران عذاب نمی‌شوند، بلکه همه کسانی که در برابر انجام گناه در جامعه سکوت کرده‌اند نیز باید پاسخگو باشند. بنابراین، همه ما باید ناظر بر فعالیت‌های اجتماعی باشیم و در صورت مشاهده گناه توسط هرکس، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را با روش درست انجام دهیم. این مشارکت سبب می‌شود که رهبر، همه افراد جامعه را پشتیبان خود بداند و هدایت جامعه به سمت وظایف اسلامی برای رهبر جامعه آسان‌تر شود.

**۵- اولویت دادن به اهداف اجتماعی؛** در برخی موارد که اهداف و آرمان‌های اجتماعی در برابر منافع فردی قرار می‌گیرند، باید بتوانیم از منافع فردی خود بگذریم و برای اهداف اجتماعی تلاش کنیم؛ مثلاً خرید کالای ایرانی سبب می‌شود که کارخانه‌های داخلی به تولید خود ادامه دهند و مانع بیکاری صدها هزار کارگر شوند. این عمل، به‌طور غیرمستقیم سبب کاهش بیکاری شده و کمک خوبی به حکومت و رهبری است که بتوانند در اداره جامعه موفق‌تر باشند.<sup>۴</sup>

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳؛ سوره انفال، آیه ۴۶.

۲- سوره هود، آیه ۱۱۲.

۳- سوره انفال، آیه ۶۰.

۴- بیشتر نکاتی که در این ۵ بند آمده، از عهدنامه امیرالمؤمنین به مالک اشتر و خطبه‌های ۳۴ و ۱۰۷ نهج البلاغه استخراج شده است.

## مدافعان حرم

با نگاهی به تاریخ اسلام و وقایع دوران انقلاب اسلامی و پس از آن، درمی یابیم که مشارکت و همکاری مردم و حمایت و پشتیبانی از رهبر، منافع بزرگی را برای اسلام و کشور به ارمغان آورده اند. یکی از این موارد، مجاهدانی هستند که امروزه به نام «مدافعان حرم» مشهور شده اند. این جوانمردان، زندگی خود را فدای حفظ امنیت و ناموس کشور کردند و زمینه فروپاشی سازمان مخوف داعش را فراهم ساختند. کتاب های «خدا حافظ سالار»، «یادت باشد»، «لبخندی به رنگ شهادت» و «شاهرگی برای حریم» به زندگی و خاطرات زیبای تعدادی از شهدای مدافع حرم پرداخته اند.

## وظیفه کارگزاران

کارگزاران، همان مدیران و مسئولان جامعه اند که امروزه امور سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه را برعهده دارند. در واقع، کارگزاران یاران و کمک کنندگان به رهبرند. اگر کارگزاران جامعه، وظیفه خود را به درستی بشناسند و هم به درستی اجرا کنند، اعتماد مردم به حکومت، روز به روز افزایش می یابد. همچنین عملکرد غلط کارگزاران، سبب افزایش و انباشته شدن مشکلات و ناکارآمدی حکومت خواهد شد.

## تفکیک

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در «عهدنامه مالک اشتر»<sup>۱</sup> حکیمانه و عالمانه مسئولیت کارگزاران را بیان کرده است و هرکس، آن را مطالعه کند، به عظمت فکر و درایت آن حضرت در کشورداری پی می برد. ایشان در این نامه، وقتی مسئولیتی را بیان می کند، علت آن را هم برای مالک اشتر توضیح می دهد. بخش هایی از عهدنامه مالک که در اینجا آمده است را مطالعه کنید و سپس مسئولیت ها و علت آنها را مشخص کنید.

- ۱- دل خویش را نسبت به مردم، مهربان کن و با همه، دوست و مهربان باش؛ چرا که مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو و دسته ای دیگر در آفرینش همانند تو هستند.
- ۲- در به دست آوردن رضایت عموم مردم سعی و تلاش کن نه در جلب رضایت خواص؛ که با وجود رضایت عمومی، خشم خواص به تو آسیبی نمی رساند و با خشم عموم مردم، رضایت خواص سودی نمی بخشد.
- ۳- کسانی را که از دیگران عیبجویی می کنند، از خود دور کن؛ زیرا در نهایت مردم عیب هایی دارند و مدیر جامعه باید بیش از همه در پنهان کردن آنها بکوشد.
- ۴- عده ای افراد مورد اطمینان را انتخاب کن تا درباره وضع طبقات محروم تحقیق کنند و به تو

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

گزارش دهند. سپس برای رفع مشکلات آنها عمل کن ...، زیرا این گروه [افراد محروم] بیش از دیگران به عدالت نیازمندند.

۵- اگر با دشمن پیمان بستنی از پیمان شکنی دشمن غافل نباش، که دشمن گاهی از این راه تو را غافل گیر می کند.

### بیشتر بدانیم

امام خمینی علیه السلام، بنیانگذار جمهوری اسلامی، دربارهٔ ضرورت تشکیل حکومت اسلامی برای کمک به آمادگی مردم و تعجیل در ظهور می فرماید:

«ما نمی توانیم دنیا را پراز عدل کنیم، این کار فقط توسط امام عصر علیه السلام صورت می گیرد؛ ما نمی توانیم از ظلم در سراسر جهان جلوگیری کنیم، گرچه هر مسلمانی وظیفه دارد با ظلم مبارزه کند. اما ما می توانیم در حد توان خود با ظلم مبارزه کنیم و شرایطی را فراهم کنیم که اسباب ظهور، بهتر فراهم شود و چون می توانیم چنین کاری کنیم، باید حکومت اسلامی را تشکیل دهیم»<sup>۱</sup>.

### اندیشه و تحقیق

- ۱- مقصود از «تقلید» در احکام دینی چیست؟
- ۲- تقلید برای چه کسانی لازم است و شامل چه زمینه هایی می شود؟
- ۳- چرا مرجع تقلید باید «عادل» و «زمان شناس» باشد؟
- ۴- انتخاب ولی فقیه در کشور ما چگونه انجام می گیرد و مردم از چه طریقی در انتخاب ایشان دخالت دارند؟

### پیشنهاد

- ۱- در خصوص فقهای که در جامعهٔ امروز ما به عنوان مرجع تقلید شناخته می شوند تحقیق کنید و اسامی آنان را در کلاس بیان کنید.
- ۲- اصل ۱۰۷ قانون اساسی را که مربوط به انتخاب رهبر است، مطالعه کنید و چگونگی انتخاب ولی فقیه را توضیح دهید.

۱- صحیفهٔ امام، ج ۲۱، ص ۱۴ تا ۱۷.